

همایش ملی مطالعات و پژوهش های علمی علوم انسانی

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار با حمایت معنوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه
سردبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی شماره مجوز: ۴۸۵۳-۷۸۸۶۴
سال برگزاری همایش: ۱۳۹۷ شماره مقاله: ۸۹۵/۷۳۰ رده بندی کنگره: الف ۵۱۱/۲

تحلیل حقوقی مسئولیت مدنی زوج در راستای ازدواج مجدد

در حقوق ایران

محدثه نقی زاده

چکیده

مسئولیت مدنی به عنوان ضمانت اجرای حقوق فردی نقش بسیار مهمی را در استیفای حقوق افراد و در نهایت تنظیم روابط اجتماعی- اقتصادی مردم ایفا می کند. بدون مسئولیت حق مفهوم عینی خود را از دست داده و صرفاً جنبه ذهنی خواهد داشت امروزه هیچ گونه فعالیت اجتماعی را نمی توان یافت که مسئولیت مدنی در آن نقش نداشته باشد. در زمینه تولید ، بازرگانی، خدمات و... مسأله مسئولیت اشخاص ذینفع نقش بسیار مهمی ایفا می کند در هر مورد که شخص ناگزیر از جبران خسارت دیگری باشد می گویند در برابر او مسئولیت مدنی دارند بر مبنای این مسئولیت رابطه دینی ویژه ای بین زیان دیده و مسئول بوجود می آید. زیان دیده طلبکار و مسئول بدهکار می شود و موضوع بدهی جبران خسارت است. مسئولیت مدنی مفهومی است که با ورود ضرر و حصول زیان معنا پیدا می کند و براساس آن، زیان وارده باید جبران شود. البته این اصل که زیان زننده باید از عهده زیان وارده برآید، در روابط میان اشخاص حقیقی و افراد، یک اصل مسلم و عقلایی به شمار می رود و اصولاً قوام معاملات و دادو ستدهای رایج میان مردم بر این مبنا شکل می گیرد که در صورت ضرر و زیان، زیان زننده ملزم به جبران آن خواهد بود .

واژگان کلیدی: مسئولیت مدنی، ورود خسارت، ازدواج مجدد، عقد نکاح

بخش اول: کلیات

خانواده مجموعه ای منسجم و پویاست که بر ساختار عاطفی، ارتباطات اجتماعی، امنیت روانی، کیفیت زندگی و برطرف ساختن نیازهای فردی استوار است. بنابراین هرچه این ساختار منسجم تر و مستحکم تر باشد، تاثیر مثبت تری بر بهداشت روانی و روابط اجتماعی و آینده بهتر افراد خانواده خواهد داشت. به هر صورت خانواده در مسیر رشد و تعالی خود تحت تاثیر شبکه های ارتباطی و بیرونی قرار می گیرد و ازدواج مجدد با توجه به فرهنگ ویژه ما می تواند به گونه ای منجر به آسیبهای روانی _ اجتماعی گردد شاید به دید خیلی از افراد که از بیرون به موضوع تعدد زوجات نگاه می کنند این عمل یعنی تعدد زوجات جالب و توام با لذت باشد. اما واقعیات موجود در جامعه ما و همچنین تجربیات کلینیکی در دفاتر مشاوره، گویای حقیقتی است که خیلی از افراد با آن نا آشنا هستند. هنوز این عمل به دلایل عرفی در جامعه ما مورد قبول قرار نگرفته است. در کشور ما ملاکهای کنترل رفتار و یا ویژگی یک رفتار سالم از سه بعد یعنی بعد شرعی، قانونی و عرفی مورد ارزیابی قرار می گیرند. شاید قانون راهکارهایی را برای این کار مشخص کرده است و همچنین شرع مجوز این عمل را برای عده ای فراهم آورده باشد، ولی عرف جامعه با این مسئله کاملاً مخالف است و کسی که به طرف تعدد زوجات می رود را به دید ناخوشایند نگاه کرده و انواع بر چسب ها را به وی می زند. این عدم پذیرش جامعه خود دلیلی است بر ایجاد استرس در زندگی فرد. فرض کنید شما قصد انجام یک کار را دارید. اگر این کار با سه محور کنترلی جامعه که در بالا ذکر شده هماهنگی داشته باشد، جامعه تأییدی بر این انجام کار خواهد نمود و نه تنها هیچ گونه استرسی را برای شما به وجود نخواهد آورد، بلکه شما را در انجام این عمل که طبق عرف، شرع و قانون است، یاری خواهد کرد.

زمانی که فردی دست به انتخاب همسر برای دومین بار می زند و او دلیلی قانع کننده شرعی و عرفی و قانونی برای این کار ندارد، جامعه این رفتار را تأیید نمی کند. او مجبور است تا مدت‌ها این رفتار را پنهان کند. این پنهان کاری و انجام رفتارهایی بدور از انظار و همچنین ترس از آشکار کردن این رفتار، برای فرد تولید استرس می کند. او به ظاهر خود را موفق تلقی می کند ولی غافل از اینکه این علیه نرم عمل نمودن او را از انجام رفتارهای عادی قبلی خود هم، محروم می کند. به زبان ساده تر اینکه وقتی فردی مدتی با استرس و هیجان منفی زندگی کند و یکسره در این فکر باشد که نکند این کار و این عمل آشکار شود و دیگران از این عمل غیر عرفی مطلع شوند، کیفیت زندگی وی را کم خواهد کرد. کند شدن رفتار و اعمال زندگی به دلیل اشتغالات فکری بعد از همسرگزینی، اختلالات فاحشی در سطح کارکردهای معمولی فرد، به وجود خواهد آورد. از زندگی با کیفیت دیگر خبری نیست. دروغ گفتن های فراوان و پنهان کاری های زیاد در رفتار فرد عاملی است که دیگران را به شک و تردید وا می دارد. حساسیت های زیاد را در همسر اول به وجود می آورد. همسر اول با کمترین شک و تردید دچار سوء ظن به مرد شده و افکار وی را مدت‌ها مشغول این قضیه خواهد نمود. از بین رفتن وجه و اعتبار مرد در بین فرزندان و همسر اول و خانواده، موردی است که به مراتب گزارش می شود. پدر جایگاه ارزشی خود را در خانه از دست می دهد. وقتی به دختر خود می گوید که "دخترم تو مراقب کسانی باش که می خواهند به دلایل هوسرانی به تو نزدیک شوند و غیره" مسلماً این دختر پذیرای این صحبت ها نیست چرا که رطب خورده کی منع رطب کند. پدری که خود به دلیل هوسرانی تن به ازدواج دوم داده است نمی تواند دخترش را از خطرات افکار هوسرانانه دیگران باز دارد. اختلال در خواب، اختلال در خوردن، بی قراری، طپش قلب شدید، رانندگی با شتاب و به همراه پرخاشگری و در نهایت کم بودن کیفیت در

زندگی نتیجه یک ازدواج مجدد برای بسیاری از مردم است. از هم پاشیدن سیستم خانواده، استرس و نگرانی و اضطراب که در بین کودکان خانواده دیده می‌شود و همچنین فرار دختران و پسران از سیستم گرم خانواده نتیجه دیگری از این عمل می‌باشد. در بعضی از کشورها ازدواج مجدد و چند همسری امری طبیعی و عادی محسوب می‌شود و حتی در مناطقی از دنیا به صورت رسم و آئین درآمده است و در بسیاری از کشورهایی که چندزنی رواج دارد (خصوصاً کشورهای آفریقای مرکزی) همسران یک مرد اغلب با یکدیگر روابط دوستانه‌ای دارند و حتی زن اول بودن، امتیاز خاصی دارد که زنان دیگر فاقد آن هستند، به طوری که اقتدار همسر یا همسران ارشد در تصمیمات خانوادگی بیشتر از غیر ارشدهاست، اما در جامعه ایران قضیه برعکس است و معمولاً اثرات منفی این ازدواج بر همسر اول بسیار زیاد است که ذیلاً ذکر می‌شود:

ازدواج مجدد و چند همسری به عنوان یک مسئله اجتماعی می‌تواند زمینه بروز بسیاری از مسائل و پیامدهای متفاوت و بعضاً زمینه بروز بسیاری از آسیب‌های اجتماعی دیگر در سطوح فردی و سطوح اجتماعی فراهم آورد. از یک سو این آثار و پیامدها می‌تواند عوارضی را برای زنان و از سوی دیگر برای فرزندان به همراه داشته باشد. یکی از شروطی که قرآن بصراحت درباره تعدد زوجات بر آن تأکید می‌کند، برقراری عدالت است. برقراری عدالت کار هر کسی نیست؛ لذا آن گونه که حیاتی می‌گوید نمی‌توان موضوع ازدواج مجدد را به عنوان یک قاعده و قانون پذیرفت که به مرد اختیار دهد همسر دوم اختیار کند. اصل این است که مرد می‌تواند تنها با یک زن ازدواج کند، مگر در موارد بسیار استثنایی و نادر. فقهای اسلامی در کنار شروطی مانند برقراری عدالت، موارد دیگری همانند توانایی اقتصادی برای اداره چند خانواده و توانایی جسمانی برای انجام وظایف زناشویی را نیز از جمله شرایطی می‌دانند که در تعدد زوجات باید مورد توجه قرار

گیرد. واقعیت این است که امروز در جامعه ما گاه و بیگاه ازدواج‌های مجددی بدون توجه به انگیزه‌های شرع مقدس از وضع قانون تعدد زوجات صورت می‌گیرد. در این میان، معلوم نیست ضربه‌های روحی که همسران چنین مردانی متحمل می‌شوند مربوط به اهمیت بیش از اندازه‌ای است که به شوهران خود می‌دهند یا این که احساس می‌کنند تکیه‌گاهی را از دست داده‌اند. در هر صورت، این آسیب‌ها گاه تا اندازه‌ای است که سلامت جسمانی آنان را نیز به مخاطره می‌اندازد.

بخش دوم: آثار و پیامدهای عوارض منفی وارده بر زوجه در این راستا

در رابطه زناشویی آنچه عمده و اساس است امور روحی و معنوی است، عشق و عاطفه و احساسات است. کانون ازدواج و نقطه پیوند دوطرف به یکدیگر دل است. عشق و احساسات هرگز در صورت تعدد آنقدر رواج نمی‌گیرد که در وحدت می‌گیرد. اوج اعلائی عشق و احساسات با تعدد سازگار نیست هم چنانکه با عقل و منطق نیز سازگار نیست. بی‌شک ازدواج مجدد بیش از همه به همسر اول که باید به اجبار زن دیگری را در زندگی مشترک بپذیرد دارای اثرات روانی است که احساس شکست همراه با بی‌اعتمادی و در برخی موارد تحقیر نتیجه آن است اولین اثر روانی این امر احساس شکست در زندگی و فروریختن آمال و آرزوها و رسیدن به پایان خط زندگی مشترک انحصاری است این احساس به شدت منفی منجر به اختلالات روانی زنان بویژه افسردگی می‌شود علاوه بر آن با توجه به این که بیشتر مردانی که ازدواج مجدد کرده اند قادر به رعایت عدالت د راموری مانند تقسم وقت و اقامت بین زنان نیستند و بیشتر وقت خود را با همسر دوم می‌گذرانند به طور طبیعی زن اول د ر مواجه با چنین بی‌اعتنایی از سوی شوهرش احساس تنهایی خواهد کرد و احساس تنهایی او منجر به احساس کمبود محبت میشود ، زمینه اختلال روانی و در نتیجه افسردگی را برای وی فراهم میکند زن اول با این توجیه که شوهر

به او وفادار نبوده و در اصطلاح به او خیانت کرده به شدت حس اعتماد به شوهرش را از دست می‌دهد و تمام روابط عاطفی و همراه با عشق و محبت گذشته را پایان یافته می‌داند بی‌اعتمادی موجب می‌شود زن، زندگی با شوهر را بی‌فایده تلقی کند و اگر به طور رسمی و به دلایل مختلف نتواند از شوهرش طلاق بگیرد عملاً جدا از او و در حقیقت با فرزندانش و برای آنها زندگی می‌کند یکی دیگر از آثار سو چند همسری در بعد اجتماعی تحقیر زن از سوی خویشاوندان شوهر و حتی خویشاوندان و نزدیکان خود وی و نیز نتهم کردن او به عدم شایستگی در اداره زندگی است در حقیقت زن باید مجازات تنوع طلبی شوهرش را به ناحق تحمل کند و پاسخگوی اتهامات و بدگمانی‌های دیگران در زمینه روابط جنسی و عاطفی با شوهرش باشد. از طرف دیگر چند همسری زنان را به قیام و اقدام علیه یکدیگر و احیاناً شوهر و می‌دارد و محیط زناشویی را که باید محیط صفا و صمیمیت باشد به میدان جنگ و جدال و کانون کینه و انتقام تبدیل می‌کند. دشمنی و رقابت و عداوت میان مادران به فرزندان آنها سرایت می‌کند دودستگیها و چند دستگیها بوجود می‌آید محیط خانوادگی باید الهام بخش‌نیکی و مهربانی باشد که به تبدیل به درس آموز نفاق و نامردی می‌گردد. از نظر اخلاقی نیز عده‌ای معتقدند اجازه تعدد زوجات اجازه شره و شهرت است. به مرد اجازه می‌دهد هواپرستی کند. اخلاق ایجاب می‌کند که انسان شهوات خود را به حداقل ممکن تقلیل دهد. زیرا مقتضای طبیعت آدمی این است که هر اندازه جلوی شهوت را بازگذارد رغبت و تمایلش فزونی می‌گیرد و آتش شهوتش مشتعل تر می‌گردد. اخلاق اسلامی بر این پایه نیست از نظر اسلام اخلاق با افراط در شهوترانی ناسازگار است. از نظر حقوقی به موجب عقد ازدواج هر یک از زوجین به دیگری تعلق می‌گیرد و از آن او می‌شود. حق استمتاعی که هر کدام نسبت به دیگری پیدا می‌کنند از آن جهت است که منافع زناشویی طرف را به موجب عقد ازدواج مالک شده است. از این رو در تعدد زوجات آن که ذی حق است زن سابق است. معامله‌ای که میان مرد و زن دیگری

صورت می‌گیرد در حقیقت معامله «فضولی» است زیرا کالای مورد معامله یعنی منافع زناشویی مرد قبلاً به زن اول فروخته شده و جزء مایملک او محسوب می‌شود. پس آن کس که در درجه اول باید نظرش رعایت شود و اجازه او تحصیل گردد زن اول است. بنابراین زن دوم و سوم و چهارم گرفتن درست مثل این است که شخصی یک بار مال خود را به شخص دیگر بفروشد و همان مال فروخته شده را برای نوبت دوم و سوم و چهارم به افراد دیگر بفروشد. صحت چنین معامله‌ای بستگی دارد به رضایت مالک اول و دوم و سوم و اگر عملاً شخص فروشنده مال مورد نظر را در اختیار افراد بعدی، قرارداد قطعاً مستحق مجازات هستند. برخی زنان که در پیگیری این اتفاق خود را مقصر می‌دانند، قطعاً در آینده با عذاب وجدان روبروگشته و آسیب‌های جدی را تجربه خواهند نمود که تبعات منفی زیانباری را برای ایشان به همراه خواهد آورد مشکلات اقتصادی و معیشتی، افسردگی، سرخوردگی و کاهش رضایت از زندگی، پذیرش نقش‌های چندگانه و تعدد نقش‌ها، روی آوردن به آسیب‌هایی همچون قتل، خودکشی، اعتیاد، فحشا، سرقت، انزوا و اختلال در مناسبات و تعاملات اجتماعی، مشکلات جنسی و روی آوردن به انحرافات جنسی و فساد اخلاقی، مشکلات ناشی از عدم حضانت فرزندان، دلتنگی و از دست دادن سلامت روانی و جسمی و سردرد، برونشیت، آسم، افزایش فشارخون، بی‌قراری در خواب، احساس عدم سلامتی، اختلال حواس... از جمله آثار و پیامدهایی است که زنانی که همسرانشان اقدام به ازدواج مجدد با آن درگیر می‌باشند.

بخش سوم: آثار و پیامدهای عوارض منفی وارده بر فرزندان در این

راستا

برای برخی کارشناسان علوم اجتماعی بدیهی است که داشتن خانواده‌ای بایک مادر و پدر بهترین حالت زندگی برای فرزندان محسوب می‌شود. گروه دیگری که در این

ارتباط آسیب می‌بینند، فرزندان خانواده هستند. بی‌گمان بعضی از بزه‌کاران جوان متعلق به خانواده‌هایی می‌باشند که دچار تعارض و کشمکشهای خانوادگی و اختلالات روانی و عاطفی هستند، وجود تنشهایی روانی و اختلالات عاطفی در خانواده کودک می‌تواند او را وادار به فرار از خانه نماید تا با گروه بزه‌کاران همکاری و تشریک مساعی نماید. در روانشناسی جنایی، بروز انحرافات اجتماعی یا جامعه زدگی و تشکیل گروه آسیب دیدگان اجتماعی، ثمره جراحات عاطفی کودکان تشخیص داده می‌شود. بسیار دیده شده به دنبال ازدواج مجدد پدر، فرزندان به حال خود رها می‌شوند یا کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند. ازدواج مجدد در اصل دستوری است برای حل معضلات اجتماعی. اگر قرار است با ازدواج مجدد، معضل دیگری به وجود آوریم نباید مورد استفاده قرار بگیرد. درباره فرزندان نیز از لحاظ فقهی شرطی که فقها اعلام می‌کنند این است که مرد، توانایی پرداخت نفقه را داشته باشد و بتواند ۲ خانواده را اداره کند. در غیر این صورت نباید از این سیستم استفاده کرد. اجرای عدالت از نظر اقتصادی، عاطفی، تربیت فرزندان و ساعاتی که مرد باید در کنار خانواده‌اش بگذراند بسیار مشکل است. وقتی از عدالت صحبت می‌کنیم به این معنی است که هم در بین زنان عدالت به نحوی اجرا شود که یکی از آنها احساس نکند مورد بی‌مهری قرار گرفته و هم فرزندان نباید احساس کنند پدرشان به فرزندان زن دیگر بیشتر اهمیت می‌دهد ضمن این که از لحاظ حکم اولیه تربیت فرزندان، نفقه و غیره به عهده پدر است و ازدواج بعدی او را از این وظایف معاف نمی‌کند. بنابراین لازم است مرد قبل از تصمیم‌گیری به ازدواج مجدد تمام این موارد را در نظر بگیرد آثار و عوارضی که ازدواج مجدد برای فرزندان به همراه دارد از آن جهت قابل اهمیت است که می‌تواند زمینه بروز بسیاری از اختلالات رفتاری و روحی و روانی در آنان باشد و زندگی فردی و اجتماعی آتی آنان را به مخاطره اندازد. بروز افسردگی در کودکان و نوجوانان، اضطراب،

پرخاشگری و عصیان در نوجوانان، حسادت، سوء ظن و بدبینی نسبت به دیگران، فرار از منزل، ترک تحصیل و افت تحصیلی، بزهکاری و کجروی های اجتماعی (قتل، دزدی، فحشا و ...) ازدواج زودرس به ویژه برای دختران، ضعف اعتماد به نفس، اختلال هویت، اعتیاد، فقر، ضعف سلامت جسمی و روانی (بی خوابی، سوء تغذیه، بی اشتهاپی و یا پرخوری عصبی و ...) احساس درماندگی و سرخوردگی، تجربه عقده حقارت ناشی از عدم دسترسی به محیط گرم و عاطفی خانوادگی در مقایسه با دیگران و درونی سازی عقده های منفی و ضد اجتماعی، انزوای اجتماعی، گرایش به انواع انحرافات اجتماعی به جهت ضعف کنترل رفتاری و اخلاقی توسط والدین، اجتماع ستیزی و دیگرآزاری و بروز انواع خشونت های اجتماعی. از جمله این آثار است. احساس گناه و سردرگمی: ویژگیهای مشترک فرزندان پس از بروز ازدواج مجدد پدر، احساس گناه است از اینکه آیا آنان در بروز این واقعه نقشی داشته اند؟ آیا آنان نسبت به ادامه زندگی پدر و مادر خود دچار قصور و کوتاهی گشته اند؟ احساس دیگری که در رفتار این کودکان آشکار می گردد شگفتی و نگرانی از گزینش یکی از والدین است، به دلیل اینکه پدر و مادر هر دو نزد فرزند به یک اندازه محبوب و دوست داشتنی هستند، کودکان از پذیرش یکی از آنان و دوری از دیگری دچار ترس و اضطراب می گردند، بنابراین رؤیایی که همواره در ذهن آنان وجود دارد، امید به بازگشت پدر و مادر و زندگی دوباره در کنار آنان است و حتی گاه کوششی را هم برای سازش و ایجاد پیوند میان والدین به عمل می آورند که معمولاً به شکست منجر می شود. بحران عاطفی در صورت توجیه و ناامیدی از زندگی دوباره با والدین، سازگاری فرد را با زندگی پس از طلاق بیشتر می کند. اثرات درازمدت طلاق بر کودکان بسیار زیاد و گاه جبران ناپذیر است.

بند اول: اثرات منفی بر خانواده و رواج بی اعتمادی در خانواده

یکی از اثرات نامطلوب ازدواج مجدد بر زن اول، نابودی حس اعتماد به شوهر می باشد احتمالاً این احساس که شوهر به او خیانت کرده، تمام وجود او را پر خواهد کرد و آن اظهار عشق و علاقه اولیه ای که معمولاً شوهر در سال‌ها یا ماه‌های اولیه زندگی نسبت به زن خود ابراز می کند با ازدواج مجدد شوهر فرو می ریزد و زن احساس می کند که شوهرش دیگر او را دوست ندارد و زندگی با او بی فایده است، بنابراین اگر امکان طلاق برایش فراهم باشد، سعی می کند از شوهر دروغگوی خود جدا شود. در واقع در بسیاری از موارد وجود یک زن دیگر در زندگی مردان باعث تضییع حق زن اول می شود. چند همسری می تواند منجر به ایجاد خانواده ها و خویشاوندان ناتنی شود. خانواده ناتنی خانواده ای است که حداقل یکی از بزرگسالان، پدر یا مادر ناتنی است. این تعریف، شامل خانواده هایی باشد که یکی از والدین آن ها ازدواج مجدد داشته اند یا مشمول خانواده های چند زنی باشد. در چنین خانواده هایی معمولاً کودکان دو مادر دارند، بعضی خانواده های ناتنی همه فرزندان و خویشاوندان ناتنی را به عنوان «جزئی از خانواده» تلقی می کنند. معمولاً مشکلات معینی در خانواده های ناتنی پدیدار می شود. در درجه اول، غالباً یک پدر یا مادر تنی وجود دارد که همراه کودک زندگی می کند و نفوذ او بر فرزندان نیرومند است، بنابراین ممکن است برادران یا خواهران ناتنی به رقابت با هم بپردازند و گاهی اوقات روابط میان فرزند و مادر ناتنی تیره گردد، خصوصاً در شرایطی که همسران مرد رابطه خوبی با هم نداشته باشند، نگرش های منفی خود را به کودکان شان منتقل خواهند کرد. به ویژه اگر مادران از طبقه های متفاوت اجتماعی و دارای زمینه های خانوادگی مختلفی باشند و انتظارات متفاوتی در مورد رفتار مناسب در خانواده داشته باشند که در این صورت احتمال برخورد در عادات و شیوه نگرش قابل ملاحظه است. موارد بحرانی جایی است که همسران مرد حسادت ها و رقابت هایشان را به فرزندان شان منتقل کنند و جوی خصمانه

در خانواده ایجاد کنند و احساس دشمنی نسبت به برادران و خواهران ناتنی را در فرزندان خود ایجاد نمایند.

بند دوم: اثرات منفی اقتصادی و اجتماعی در خصوص ازدواج مجدد زوج

اثرات اقتصادی تعدد زوجات معمولاً بعد از فوت شوهر ظاهر می شود. زیرا اگر مردی یک زن داشته باشد، در صورتی که دارای فرزند باشد یک هشتم ارث می برد و در صورتی که مرد فرزندی نداشته باشد همسر او یک چهارم ارث می برد حال اگر تعداد زنان او بیشتر باشد، حتی اگر چهار زن باشند، باز همان یک هشتم (با وجود فرزند برای مرد و یک چهارم در صورتی که مرد فرزندی نداشته باشد) بین همه آن ها تقسیم می شود. همچنین همین وضع در مورد فرزندان هم صادق است، یعنی اگر فردی یک زن داشته باشد، طبیعی است که دارای فرزندان کمتری باشد، اما اگر دارای دو زن باشد، تعداد فرزندان او بیشتر می شود طبیعی است که اگر تنها یک زن داشت، تعداد فرزندان به یک چهارم کاهش می یافت و بالطبع به فرزندان ۴ برابر وضع کنونی سهم الارث می رسید. اولین تاثیر اجتماعی ازدواج مجدد بر زن اول تحقیر زن از سوی اقربا و آشنایان و متهم شدن او به عدم شایستگی در اداره زندگی است. زیرا در فرهنگ ایرانی با تجدید فراش مرد این اتهام وارد می شود که زن اول نتوانسته است شوهرش را راضی نگهدارد و به عبارت دیگر مردم او را در هوسرانی شوهرش مقصر می دانند، از دو حیث، اول آنکه به لحاظ جنسی متهم به سرد مزاجی و عدم تمکین نسبت به شوهر می شود و دوم آنکه به لحاظ عاطفی او را در فراهم کردن محیط موافق و مورد دلخواه شوهر بد اخلاق و بدسلایقه قلمداد می کنند. از طرفی نیز بسیاری از زنان فامیل نسبت به او احساس ترحم کرده و راه دلسوزی را در پیش می گیرند و این خود بیشتر نمک به زخم او خواهد پاشید. گذشته از اعضای خانواده، آثار و پیامدهای ناشی از ازدواج مجدد می تواند اجتماع را تحت تأثیر

قرار داده و تبعاتی را در جامعه به همراه داشته باشد. افزایش جرایم اجتماعی، تزلزل اجتماعی و عدم ثبات جامعه، فروپاشی خانواده، به عنوان مهم ترین و اولین نهاد اجتماعی پایه، افزایش هزینه های اجتماعی برای جلوگیری کنترل جرایم و ناهنجاری ها و انحرافات ناشی از این کار، افزایش کودکان خیابانی و سایر آسیب های اجتماعی همچون فرار از منزل، تکدی گری، قتل، خودکشی، اعتیاد، قاچاق و ... افزایش تعداد زنان خودسرپرست و مشکلات معیشتی، روانی اجتماعی و اخلاقی آنان و سایر نابسامانی های شخصیتی، اجتماعی و رفتاری و فرزندان آنان از جمله عوارض اجتماعی ناشی از چند همسری و ازدواج مجدد می باشند. - ارتکاب به جرم و بزهکاری: از آنجا که یکی از کارکردهای خانواده، ارضاء تمایلات جنسی بوده است، با فروپاشی خانواده، فرد با فقدان ارضاء جنسی مواجه می شود. چنانچه فرصت ازدواج و تمتع جنسی از طریق مشروع میسر نشود و فرد چنین نیازی را به دلیل تجربه جنسی قبلی شدیدتر از گذشته احساس نماید، به سوی انحرافات جنسی و فساد اخلاقی (روسپیگری) کشیده می شود. احتمال وقوع این شرایط علی الخصوص زمانی که فرد با مشکلات اقتصادی و تأمین معاش دست به گریبان باشد، شدت می یابد و فرد مطلقه را به سوی مفاسد مالی و اخلاقی سوق می دهد.

بخش چهارم: انواع خسارت و ضمانت اجرای موجود در راستای ازدواج مجدد زوج

بند اول: خسارت مادی

خسارت مادی عبارت است از: ((خساراتی که از طریق از بین رفتن و یا نقص شدن اعیان اموال و یا کاهش ارزش آنها به طوری که قابل تقویم به پول باشد به شخص وارد می شود))

دکتر جعفری لنگرودی خسارت جانی را نیز بعنوان خسارت مادی بیان داشته و در بیان معنای خسارت یا ضرر مادی این چنین آورده است: « (مدنی) ضرر مالی و بدنی را گویند

و در مقابل ضرر معنوی استعمال می‌شود.^۱ همچنین در ذیل واژه خسارت مادی آورده اند: « (مدنی) خسارتی که به بدن شخص یا دارائی او وارد شده باشد مانند جراحت وارد کردن و شکستن پنجره (تبصره یک قانون مطبوعات ۱۳۳۴ و ماده هفت قانون تشدید مجازات رانندگان مصوب ۱۳۲۸)»^۲ از آنجا که در خصوص بحث خسارات مادی و جبران آن کتبی تالیف و موادی از قانون مدنی به ان اختصاص یافته است بیشتر به بحث خسارت معنوی می‌پردازیم.

الف) فقه: در فقه اسلامی و حقوق موضوعه ایران تعدد زوجات برای شوهر پذیرفته شده است از این رو ممکن است زوجه در هنگام ازدواج ضمن عقد شرط کند که شوهر ازدواج مجدد نکند فقیهان در صحت یا عدم صحت چنین شرطی اختلاف نظر دارند برخی این شرط را باطل و مبطل عقد میدانند و برخی شرط را باطل ولی نکاح را صحیح میدانند و عده ای هم شرط را صحیح میدانند این گروه از فقیهان در خصوص ضمانت تخلف از شرط مذکور اختلاف نظر دارند گروهی ازدواج دوم را صحیح میدانند و گروهی ان را باطل میدانند مولفین حقوقی نیز در این خصوص اختلاف نظر دارند گروهی از فقیهان که قائل به عدم ضمانت اجرا و عدم صحت این شرط هستند دلایل خود را این گونه بیان کرده اند

عدم موافقت با شرع: بعضی از فقیهان معتقدند هر شرطی که در کتاب خدا نیامده باشد باطل هست بنابر این این شرط نیز چون در کتاب خدا نیامده است باطل است

شرط مخالف با شرع: برخی فقها امامیه و اهل سنت شرط عدم ازدواج را مخالف با کتاب دانسته و آن را باطل میدانند ولی نظر این گروه با این اشکال مواجه هست که ادواج

^۱ - محمد جعفر جعفری لنگرودی،، ترمینولوژی حقوق، مأخذ ذکر شده، ص ۴۱۶

^۲ - همان منبع، ص ۲۶۲

مجدد امری مباح است نه واجب و ترک مباح از نظر شرعی با مانعی مواجه نیست. شرط عدم ازدواج مجدد در ضمن عقد نکاح شرطی صحیح است. حال این سؤال مطرح می‌شود که ضمانت اجرای تخلف از آن چیست؟ روا یاتی که دلالت بر صحت شرط عدم ازدواج مجدد دارند، در خصوص ضمانت اجرای تخلف از آن سخنی نگفته‌اند. از این رو، فقیهان در ضمانت اجرای تخلف از آن اختلاف نظر دارند که در ذیل به بیان آن‌ها می‌پردازیم. البته، برخی فقیهان ضمن صحیح دانستن شرط ترک ازدواج مجدد و ملزم دانستن شوهر به اجرای آن، معتقدند در صورتی که شوهر تخلف کرده و ازدواج کند، ازدواج مزبور صحیح است و هیچ ضمانت اجرایی را برای تخلف از آن مطرح نساخته‌اند. نتیجه عملی این نظر لغو شرط مزبور خواهد بود. به نظر برخی فقیهان اگر زوج با وجود شرط ترک ازدواج مجدد اقدام به ازدواج کند، ازدواج مزبور باطل است. در توجیه بطلان ازدواج گفته شده است که مشروط علیه با پذیرش شرط ترک ازدواج مجدد، سلطنت و توان شرعی بر انجام هر نوع عملی را که منافات با انجام شرط داشته باشد، از خود سلب کرده است و در نتیجه، قدرت و توان بر ازدواج مجدد را از دست می‌دهد. از این رو، اگر ازدواج کند آن عقد در عالم اعتبار تشریعی ملغی و بی اثر خواهد بود. زیرا، الممتنع شرعاً کالممتنع عقلاً هنگامی که فردی امتناع تشریعی بر انجام فعلی دارد و قدرت و توان شرعی از او سلب شود، همانند کسی است که قدرت تکوینی از او سلب شده است. به نظر گروه دیگری از فقیهان ازدواج دوم که برخلاف شرط صورت پذیرفته است، صحیح بوده ولی زوجه می‌تواند ازدواج خود را فسخ کند. از سوی فقیهان امامیه چنین نظری ابراز نشده است و آن‌ها تخلف از شروط صحیح را در عقد نکاح موجب خیار نمی‌دانند.

ب) قانون مدنی: در تنظیم روابط عاطفی بین زن و شوهر اخلاق بیش از قواعد حقوقی حکومت دارد در خانواده حقوق و تکالیفی وجود دارد که زن و شوهر مکلف به انجام آن هستند مانند حسن معاشرت و کمک در تشیید مبانی خانواده و مانند اینها از طرف دیگر

اخلاق خانوادگی و عادات و رسوم اجتماعی هم تکالیف متقابلی برای همسران در نظر گرفته است که این تکالیف را میتوان به عنوان های زیر تقسیم کرد^۱

مسکن

حسن معاشرت

معاضدت

وفاداری

اول) مسکن

از آنجا که پس از بروز ازدواج مجدد مرد بیشتر وقت خود را با همسر دوم میگذراند زن حق دارد از مردی که کانون خانواده را رها کرده به عنوان سوء معاشرت و ایجاد عسر و حرج مطابق ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی که بیان میدارد ((در صورتی که دوام زوجیت موجب عسر و حرج زوجه باشد وی میتواند به حاکم شرع مراجعه و تقاضای طلاق کند ...)) تقاضای طلاق کند^۲ پس اگر زنی به سبب رفتار ناهنجار شوهر ناگزیر از انتخاب مسکن جداگانه شود این رفتار او حق گرفتن نفقه را از بین نمیرد و دادگاه نیز نمیتواند او را وادار به سکونت در خانه شوهر کند ماده ۱۱۱۵ قانون مدنی در این زمینه مقرر میدارد ((اگر بودن زن با شوهر در یک منزل متضمن خوف ضرر بدنی مالی یا شرافتی برای زن باشد زن میتواند مسکن علیحده اختیار کند و...)) نکته دیگری که باید بر این بحث افزود این است تهیه مسکن یکی از ارکان نفقه است پس اگر محلی را که شوهر انتخاب کرده است با

^۱. کاتوزیان ناصر حقوق خانواده جلد دوم نشر انتشار تهران ۱۳۷۱ چاپ سوم صص ۲۱۲ و ۲۱۳

^۲. همان منبع ص ۲۱۶

شوون زن مخالف باشد نمیتوان زن را به سکونت در این مکان و ادار دکرد مثلا اگر مردی دو زن داشته باشد نمیتواند مسکن مشترکی برای آن دو معین کند^۱

دوم) حسن معاشرت

هرچند که تکلیف مربوط به حسن معاشرت جنبه اخلاقی دارد اما از نظر حقوق بی ضمانت اجرا نمانده است و هرگاه سوءمعاشرت همسر چنان باشد که زندگی را برای زن غیر قابل تحمل کند او میتواند تقاضای طلاق کند (ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی) تمام اموری که از نظر اجتماعی توهین محسوب می شود یا رفتاری که با فضای کانون خانواده منافات دارد سوءمعاشرت است و در حالت شدید خود میتواند مبتا طلاق قرار گیرد.

سوم) معاضدت در تشدید مبانی

زن و مرد باید در اداره خانواده یکدیگر را یاری کنند همانطور که امتناع زن از این کار از موارد نشوز است بی مبالاتی و کم توجهی شوهر در این امر که میتواند ناشی از ازدواج مجدد باشد نیز ممکن است به عنوان سوءمعاشرت و ایجاد عسر و حرج مستند درخواست طلاق از طرف زن باشد

چهارم) وکالت زن در طلاق ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی

این ماده نیز یکی از ضمانت اجراهای مهم در خصوص ازدواج مجدد است که در آن اختیار گرفتن طلاق را در صورت ازدواج مجددزوج به زوجه داده اند. طرفین عقد ازدواج می توانند هر شرطی که مخالف با مقتضای عقد مزبور نباشد در ضمن عقد ازدواج یا عقد لازم دیگر بنمایند مثل اینکه شرط شود هرگاه شوهر زن دیگر بگیرد یا در مدت معینی غایب شود یا ترکانفاق نماید.... زن وکیل و وکیل در توکیل باشد که ژس از اثبات تحقق

شرط در محکمه و صدور حکم نهایی خود را مطلقه سازد

پنجم) عجز از پرداخت نفقه ماده ۱۱۲۹

این ماده نیز یکی دیگر از ضمانت اجراهای تعدد زوجات می باشد یکی دیگر از اثرات چند همسری می تواند عجز و ناتوانی شوهر از پرداخت نفقه به همسر اول باشد در همین راستا ماده ۱۱۲۹ قانون مدنی مقرر میدارد ((در صورت اسنکاف شوهر از نفقه و عدم امکان اجرای حکم محکمه و الزام او به دادن نفقه زن میتواند برای طلاق به حاکم رجوع کند و حاکم شوهر را اجبار به طلاق مینماید همچنین است در صورت عجز شوهر از دادن نفقه علاوه بر ضمانت اجراهای فوق جبران خسارت مالی هم امکان پذیر است همان طور که در کتاب حقوق مدنی دکتر امامی هم آمده است که ضمن عقد نکاح یا عقد لازم دیگر شرط شود که هرگاه زوج زن دیگری گرفت مبلغی به زوجه خود بدهد^۱

در خصوص خسارت معنوی در قانون مدنی ماده صریحی وجود ندارد به نظر میرسد که انصاف و عدالت قضایی نمیتواند آن هارا بدون جبران پندارد بنابر این چنانچه نتوان از روح مواد به طور کلی این گونه خسارات را مورد حکم قرار داد باید بوسیله وضع قانونی جدید به رفع این مشکل پرداخت در ماده ۹۳ قانون مدنی سوییسی اجازه مطالبه این گونه خسارات را به وسیله پول آمده است

ج) قانون اساسی

همان طور که در مقدمه قانون اساسی هم آمده است خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون رشد و تعالی انسان است زن در چنین برداشتی از واحد خانواده از کرامت و ارزش والایی برخوردار است همچنین در اصل دهم این قانون آمده است که ((از آن جا که خانواده واحد بنیادی جامعه است همه قوانین و مقررات مربوط باید در جهت پاسداری از

^۱حسن امامی حقوق مدنی جلد ۴ تهران نشر اسلامیه چاپ ۲۱ ص ۴۴۱

قداست آن و استواری روابط خانوادگی و..باشد)) نشان می‌دهد که خانواده از اهمیت بالایی برخوردار است و هرکس نمیتواند به راحتی موجبات از هم پاشیدن آن را فراهم کند. در اصل دیگری از قانون اساسی نیز به این مطلب اشاره شده است که هیچ کس حق ندارد به دیگری ضرری وارد نماید در صل چهلم این قانون آمده است ((هیچ کس نمیتواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به مکناع عمومی قرار دهد)) زوج نیز نمیتواند به استناد این که تعدد زوجات حق اوست موجب وارد آمدن زیان به همسر اول خود شود این اصل به قاعده لاضرر اشاره دارد یکی از ادله‌ی که تمام فقها یا لاقلا اکثر فقها آن را مورد بررسی قرار داده اند؛ قاعده‌ی لا ضرر می باشد آنچه از قاعده لا ضرر استفاده می شود، لزوم جبران خسارت معنوی می باشد همانطور که در مرحله اجرای قانون و در موارد خاص روابط اجتماعی مردم با یکدیگر نیز چنانچه عملی منجر به اضرار فردی به دیگری گردد، مورد امضای شارع قرار نخواهد گرفت فرقی نمی کند ضرر هر نوع ضرری باشد چه ضرر معنوی و چه ضرر مادی. نتیجه، این می شود که قاعده لا ضرر، شامل خسارت معنوی نیز می شود و اگر کسی به دیگری ضرر معنوی وارد کند، ملزم به جبران آن می باشد، بویژه اینکه مورد صدور روایت لا ضرر، نیز ضرر معنوی بوده است.

بند دوم: خسارت معنوی

آنچه که مسلم است جبران خسارت های مادی و تعیین میزان خسارت وارد در این نوع از خسارات راحت تر است و مواد زیادی از قوانین به این امر پرداخته اند اما خسارت معنوی کمتر مورد توجه قرار گرفته است و از طرفی خسارات روحی روانی وارد بر همسر اول از مصادیق خسارت معنوی است لذا بحث در این نوع خسارت به تامل بیشتری نیاز دارد خسارت معنوی در اصطلاح حقوق عبارت است از ((خسارتی که بر اثر حدوث آن هیچ لطمه مادی وارد نمی گردد مانند توهین و بی احترامی)) ضرر معنوی در مقابل ضرر مادی قرار دارد، در جامعه کنونی ما تحمل ضرر منحصر به ضرر مادی نمی باشد انسان در

مقابل لطمه‌های روحی نیز آسیب‌پذیر است ضرر معنوی می‌تواند ناشی از لطمه زدن به حقوق مربوط به شخصیت و آزادی‌های فردی و حیثیت و شرافت^۱ باشد خسارت معنوی و مصادیق مختلف آن و روش محاسبه و جبران زیان‌های معنوی و در نهایت رویه محاکم قضایی در مقام رسیدگی به دعاوی راجع به اینگونه خسارات از موضوعات جالب و در عین حال نسبتاً پیچیده علم حقوق و تحقیقات حقوقی است. علیرغم وجود زمینه‌های مناسب در متون قانونی جهت امکان جبران خسارات معنوی هنوز اکثریت قریب به اتفاق محاکم از صدور حکم در مورد دعاوی به خواسته خسارات معنوی خودداری می‌نمایند در صورتی که متون قانونی فعلی به اندازه کافی روشن می‌باشد و موجبات احقاق حقوق بسیاری از خسارت‌دیدگان که در قلمرو حقوق معنوی زیان‌های جبران‌ناپذیری تحمل کرده‌اند کاملاً فراهم است. خسارات معنوی اصطلاح شایع و در عین حال پر ابهامی است که تعیین مصادیق و ترسیم دقیق قلمرو آن کار آسانی نیست زیرا با اینکه در متون قانونی متعدد به کار رفته و در نوشته‌ها و تألیفات حقوقدانان مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته اما در هیچ یک از متون مزبور تعریفی از خسارت معنوی به عمل نیامده است و حقوقدانان نیز در تعریف آن وحدت نظر ندارند. البته در بعضی مواد قانونی به ذکر پاره‌ای از عناصر مهم تشکیل‌دهنده خسارت معنوی اشاره شده است. از مجموع مواد مزبور چنین استفاده می‌شود که خسارات وارده بر حیثیت و آبروی افراد یا اعتبار اجتماعی اشخاص از جمله خسارات معنوی است

الف) جایگاه خسارت معنوی در قوانین

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در قانون مدنی هیچ اشاره‌ای به جبران خسارت معنوی نشده بود. حتی ماده ۱۰۳۶ قانون مزبور که در مورد خسارت ناشی از بهم زدن رابطه نامزدی بوده و از حقوق سوئیس اقتباس شده بود بر خلاف حقوق سوئیس فقط به

^۱ ناصر کاتوزیان دوره مقدماتی حقوق وقایع حقوقی نشر انتشار چاپ ۱۳ ص ۴۳

لزوم جبران خسارت مادی اشاره داشت. اما در قوانین دیگر قانونگذار به صراحت حکم به لزوم جبران خسارت معنوی کرد. به عنوان مثال ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری، و مواد ۱، ۲، ۸، ۹ و ۱۰ قانون مسئولیت مدنی اشاره کرد

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در مورد قابل مطالبه بودن خسارت معنوی دو نگرش پیدا شد. یک نظر مخالف مطالبه خسارت معنوی و نظر دیگر موافق مطالبه آن می باشد. از آنجا که در این تحقیق به دنبال ضمانت اجراهای جبران خسارت معنوی می باشیم اشاره کوتاهی به نظر مخالفان می‌کنیم سپس به نظر موافقان که بحث اصلی ما است می‌پردازیم:

۱ - نقد و بررسی دلایل مخالفان مطالبه خسارت معنوی

اول - ایراد نظری

اولین دلیل بر عدم جواز مطالبه خسارت معنوی این است که امکان جبران آن وجود ندارد و پرداخت غرامت نمی تواند آن را از بین ببرد چگونه می توان درد جانکاه مادری را که فرزند خود را از دست داده است، جبران نمود و چگونه می توان با دادن مبلغی پول حیثیت بر باد رفته انسان شریفی را به او باز گرداند.

دوم - ایراد فنی

ایرادی که از نظر فنی مطرح شده این است که تعیین غرامت به وسیله قاضی در مورد خسارت معنوی امر فوق العاده مشکلی است و قاضی به راحتی نمیتواند میزان خسارت معنوی را تعیین کند

سوم - ایراد اخلاقی

از نظر اخلاقی زننده است افرادی که عواطف و احساسات آنها جریحه دار شده است برای تبدیل این تألمات به پول به دادگاه مراجعه کنند (البته ، این استدلال تنها مربوط به مورد جریحه دار شدن احساسات است)

چهارم- نظریه کمیسیون استفتاءات و مشاورین حقوقی شورایعالی قضایی

کمیسیون استفتاءات و مشاورین حقوقی شورایعالی قضایی در پاسخ به سؤال راجع به مطالبه خسارت معنوی اعلام داشته است : " ... مطالبه زیان معنوی فاقد مجوز شرعی است در خصوص نظرات کمیسیون مزبور باید گفت که نظرات مزبور جنبه مشورتی داشته و پیروی از آن برای محاکم الزامی نیست

پنجم - نظر شورای نگهبان

شورای نگهبان در خصوص تبصره ۱ ماده ۳۰ قانون مطبوعات ۱۳۶۴ که مانند تبصره ۱ ماده ۲۴ قانون مطبوعات ۱۳۵۸ مطالبه خسارت معنوی را جایز اعلام کرده بود ، اظهار داشت " ... در تبصره یک ماده ۳۰ که طرح دعوی خسارت معنوی مجاز و دادگاه مکلف به رسیدگی به آن شده تقویم خسارات معنوی به مال و امر مادی مغایر موازین شرعی است . البته ، رفع هتک و توهین که به شخص شده و به طریق متناسب با آن در صورت مطالبه ذیحق لازم است احتمال می رود علت غیر شرعی بودن جبران خسارت معنوی به پول نزد شورای نگهبان عدم پیش بینی آن در حقوق اسلام باشد .

ششم- ماده ۹ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب (در امور کیفری) مصوب ۱۳۷۸

به موجب ماده مذکور در فوق ، ضرر و زیان قابل مطالبه عبارتند از : ۱ - ضرر و زیان مادی که در نتیجه ارتکاب جرم حاصل شده است ۲ - منافی که ممکن الحصول بوده و در اثر ارتکاب جرم مدعی خصوصی از آن محروم و متضرر می شود . چنانکه ملاحظه می شود در این ماده به جبران ضرر و زیان معنوی اشاره نشده است با اینکه ماده مزبور جایگزین ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری سابق شده است که در آن صراحتاً به جبران خسارت معنوی اشاره شده بود .

۲- دلایل جواز مطالبه خسارت معنوی

اول (اصل ۱۷۱ قانون اساسی

به موجب اصل ۱۷۱ قانون اساسی ” هر گاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد در صورت تقصیر ، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت ، خسارت به وسیله دولت جبران می شود و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می گردد “. چنانکه ملاحظه می شود قانونگذار بدون اینکه بین خسارت مادی و معنوی تفصیلی قائل شده باشد آنها را قابل جبران دانسته است و از آنجا که از سوی شورای نگهبان تفسیری که مبین خلاف این استنباط باشد وجود ندارد ، باید خسارت معنوی را قابل مطالبه دانست .

دوم) قانون مطبوعات مصوب ۱۳۵۸

به موجب تبصره ۱ ماده ۲۴ قانون مزبور ، شاکی می تواند خسارت مادی و معنوی ناشی از جرم را مطالبه کند . از آنجا که قانون مزبور به وسیله قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ نسخ شده و در ماده ۳۰ این قانون که جایگزین ماده ۲۴ شده است تبصره ۱ حذف شده است برای قابل مطالبه بودن خسارت معنوی نمی توان به قانون مزبور استناد کرد .

سوم) قانون مسؤولیت مدنی

به موجب مواد ۱ ، ۲ ، ۸ ، ۹ و ۱۰ قانون مسؤولیت مدنی خسارت معنوی قابل مطالبه است گرچه قانون مزبور مصوب قبل از انقلاب بوده ولی از آنجا که نسخ نشده و مخالفت آن با موازین شرعی از سوی شورای نگهبان اعلام نشده است ، همچنان به اعتبار خود باقی است . به موجب ماده ۱ قانون مزبور هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی

دیگری شود مسؤول جبران خسارت ناشی از عمل خود می باشد. ماده ۲ نیز مقرر می دارد : " در موردی که عمل وارد کننده زیان موجب خسارت مادی یا معنوی زیان دیده شده باشد دادگاه پس از رسیدگی و ثبوت امر او را به جبران خسارت مزبور محکوم می نماید ... ". به موجب ماده ۸ نیز کسی که در اثر تصدیقات یا انتشارات مخالف واقع به حیثیت و اعتبارات و موقعیت دیگری زیان وارد آورده مسؤول جبران آن است. گرچه در این ماده به صراحت از خسارت معنوی نام برده نشده است بدیهی است که زیان به حیثیت از مصادی خسارت معنوی است. ماده ۹ نیز مقرر می دارد دختری که در اثر اعمال حيله یا تهدید و یا سوء استفاده از زیر دست بودن حاضر به هم خوابگی نامشروع شده می تواند از مرتکب علاوه از زیان مادی مطالبه زیان معنوی هم بنماید. در نهایت، ماده ۱۰ مقرر می دارد: " کسی که به حیثیت و اعتبارات شخصی یا خانوادگی او لطمه وارد می شود می تواند از کسی که لطمه وارد آورده است جبران زیان مادی و معنوی خود را بخواهد ".

چهارم) نظریه اداره حقوقی دادگستری:

اداره حقوقی دادگستری در یک نظریه مشورتی در سال ۱۳۶۵ مقرر داشته است: " مقررات مربوط به مطالبه ضرر و زیان مادی و معنوی از جمله ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری نسخ نشده و اصل ۱۷۱ قانون اساسی هم به این قبیل خسارات تصریح کرده است. بنابراین، مطالبه ضرر و زیان مادی و معنوی ناشی از جرم جنبه قانونی دارد ".

ب) جایگاه خسارت معنوی در فقه

علاوه بر قرآن کریم که در بعضی آیات به منع ایراد خسارت (اعم از مادی و معنوی) اشاره دارد^۱ و در بعضی دیگر با اندیشه ایجاد خسارت معنوی به شدت مبارزه شده است در متون روایتی نیز اشاره و تصریحات متعددی به این مقوله شده است. روایت زراره از امام محمد باقر راجع به قضیه سمره بن جندب که به روایت لا ضرر نیز معروف است این قاعده

۱. آیه ۲۸۴ سوره بقره

در حقوق اسلام کاربرد زیادی دارد و هدف اصلی آن فراهم کردن موجبات جبران خسارت وارده به افراد بوده است به کیفیتی که در یکی از کتب تاریخی آمده است بنا به نقل مورخین اسلامی در داستان سمره زیان مالی مطرح نبوده است بلکه پیامبر به منظور جلوگیری از تجاوز به حریم شخصی مبادرت به صدور دستوری نمودند که قاعده لا ضرر از آن استنتاج گردید همچنین روایت ابی الصباح از امام صادق که در مورد مسئولیت ناشی از اضرار به مسلمین است. مرود دیگری که میتوان به آن اشاره کرد قاعده نفی حرج است این قاعده مهومی شبیه قاعده لا ضرر دارد به این معنی که هر امر که موجب سختی یا عسر و حرج و مضیقه باشد در اسلام نفی شده است.

نتیجه گیری

۱- تک همسری به عنوان طبیعی ترین شکل زندگی مشترک از آغازین تاریخ حیات بشر وجود داشته و چندهمسرگزینی در شکل یک پدیده ی اجتماعی ناشی از زمینه ها و سنت ها به عنوان مقوم ذهنی آن، در حیات اجتماعی مطرح بوده است. امروزه، باتوجه به شرایط فرهنگی ایران، اخلاق عمومی نه تنها موافق چند همسری نیست بلکه در تضاد با آن است. باوجود این، از نظر جامعه شناختی می توان انگیزه های فردی شامل علل اخلاقی و علل خانوادگی از جمله ازدواج تحمیلی، جلوگیری از طلاق، اختلالات جنسی و نیز انگیزه های اجتماعی از جمله کسب پایگاه اجتماعی و تأمین نیروی کار را از علل چند همسرگزینی تلقی نمود.

۲- تک همسرگزیزی می تواند پیامدهایی با ماهیت روانی - اجتماعی داشته باشد. از جمله آثار آن بر همسر اول می تواند احساس شکست و تنهایی و بی اعتمادی از سوی زن و تحقیر وی باشد. به علاوه، در برخی شرایط همسر اول به دلایل مختلف عملاً جدا از شوهرش و در حقیقت تنها با فرزندانش زندگی می کند که در این صورت به گونه ای

خانواده‌ی مادر سرپرست و به تعبیری خانواده‌ای با فقدان پدر شکل می‌گیرد که می‌تواند دارای آثار سوء متعددی از جمله آثار تربیتی، رفتاری، آموزشی و اقتصادی بر فرزندان باشد. پدیده‌ی چندهمسرگزینی به گواهی تاریخ از جمله رسم‌هایی است که پیش از اسلام در میان سایر اقوام و مذاهب مطرح بوده و نه تنها اسلام مبتکر آن نبوده بلکه آن را از طرفی، با تعیین حداکثر، محدود ساخت و از سویی، قیود و شرایط سنگینی از جمله شرط عدالت را برای آن مقرر نموده است. از دلایل و مستندات چند همسرگزینی استفاده می‌شود که جهت گیری کلی اسلام به هیچ روی مبتنی بر تثبیت آن نمی‌تواند باشد بلکه گرایش آشکاری برای "تحدید زوجات" وجود دارد و حتی برتر از آن با تأکید بر شرط عدالت، تک همسری توصیه می‌شود. نگاه اسلام به تعدد زوجات صرفاً به منزله یک ضرورت و استثنا در زندگی فردی و جمعی است و لذا بدون دلیل با گسترش آن موافق نمی‌باشد.

۳- همچنین، سکوت عمدی قانونگذار ایران در قانون مدنی در خصوص چندهمسرگزینی و تعیین مجازات کیفری در صورت عدم رعایت تشریفات قانونی ازدواج دوم و تحدید اختیار مرد در انتخاب همسران متعدد مندرج در مواد ۱۶ و ۱۷ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳، گرایش قانونگذار ایران را به اصل تک همسری و اجتناب از چند همسری نشان می‌دهد. از مجموعه مطالب مطرح شده می‌توان نتیجه گرفت که تک همسرگزینی به عنوان یک "اصل" و چند همسرگزینی به عنوان یک ضرورت و تنها با رعایت شرایط سنگین آن مجاز شناخته شده و اساساً اگر ضرورت فردی یا اجتماعی در کار نباشد چندهمسرگزینی حتی با اجازه‌ی زن پیشین پذیرفتنی نیست.

۴- چندهمسرگزینی چون یک مسأله اجتماعی است باید ضمانت حقوقی و کیفری داشته باشد و بدین جهت، علاوه بر ضرورت بازنگری در قوانین مربوط به آن، نظارت قضایی هم ضروری به نظر می‌رسد. ایجاد مسئولیت مدنی علیه وارد کننده زیان با توجه به قواعد مسئولیت مدنی یکی از ضمانت اجراهای مناسب برای جبران خسارت‌های وارده به همسر اول می‌باشد و به نظر می‌رسد با توجه به مواد قانون مسئولیت مدنی از جمله ماده یک، دو و ده بتوان تقاضای جبران خسارات وارده ناشی از ازدواج مجدد مرد را خواستار شد

۵- شیوه‌های مختلف جبران خسارت در مسئولیت مدنی در واقع روشهای اجرای تعهد فاعل زیان است. با توجه به این که انواع ضررهای مادی، معنوی و جسمانی از نظر ماهیت با یکدیگر متفاوت هستند و هر یک نیز اشکال مختلفی دارند، روش‌های جبران آنها یکسان نیست

۶- در خصوص اقدام زوج به تعدد زوجات میتوان برای او قائل به مسئولیت شد و وی را به جبران خسارت مجبور کرد

منابع و مآخذ

قرآن کریم

۱- اثنی عشری ، محمد تقی ، ازدواج موقت، قم ، صبح صادق

۲- افروز، غلامعلی ، روانشناسی خانواده ، همسران برتر، تهران ، سازمان انجمن اولیاء و

مربیان

۳- امیر محمدی ، محمد رضا ، حقوق مدنی ، نظام مال خانواده ، تهران ، نشر میزان ، چاپ

اول

۴- الحسنی ، میر عبدافتاح ، ضمان ، ترجمه دکتر محم جواد شریعت، تهران ، نشر میزان ،

چاپ دوم

۵- بابازاده ، علی اکبر ، مسائل ازدواج و حقوق خانواده ، تهران ، انتشارات بدر

۶- بهرامی احمدی ، حمید ، حقوق مدنی ۴ ، مسئولیت مدنی ، تهران ، نشر میزان ، چاپ

اول

۷- بداغی فاطمه ، ازدواج مجدد در کشورهای اسلامی ، مطالعات راهبردی زنان ،

شماره ۴۰ ، سال دهم ۱۳۸۷

۸- بادیانی ، حسین ، فلسفه مسئولیت مدنی ، تهران ، شرکت سهامی انتشار

۹- باریکلو ، علیرضا ، مسئولیت مدنی ، تهران ، نشر میزان

۱۰- جعفری لنگرودی ، محمد جعفر ، ترمینولوژی حقوق ، تهران ، گنج دانش ، چاپ

۱۱- حسین نژاد، حسینقلی، مسئولیت مدنی، تهران، نشر مجد، چاپ اول ۱۳۸۹

۱۲- حکمت نیا، محمود، مسئولیت مدنی در فقه امامیه، تهران، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

۱۳- حکیم پور، محمد، حقوق زن در کشاکش سنت و تجدد، تهران، فلسفه نو اندیش

۱۳۸۲

۱۴- حاجی علی، فریبا، مبانی فقهی حقوقی نظام تعدد زوجات در خانواده، ندای صادق، سال ۱۴، شماره ۵۰/۱۳۸۸

۱۵- خواجه، عباس، موجبات مسئولیت مدنی و آثار آن، تهران، الهدی، ۱۳۸۹

۱۶- دیانی، عبدالرسول، حقوق خانواده، تهران، نشر میزان، چاپ اول

۱۷- دورانت، ویل، تاریخ تمدن، ترجمه امیر حسین آریان پور، تهران، نشر علمی

فرهنگی ۱۳۸۵

۱۸- رافعی، طلعت، تحلیلی بر روانشناسی زن، ازدواج موقت، تهران، نشر دانژه، ۱۳۸۲

۱۹- زمینی، محمدحسین، ادواج موقت، تهران، نشر سوره، چاپ اول ۱۳۷۷

۲۰- زندی، محمد رضا، رویه قضایی دادگاه‌های تجدید نظر استان تهران در امور

خانواده، تهران، نشر جنگل جاودان

۲۱- ژوردن، پاتریس، اصول مسئولیت مدنی، ترجمه مجید ادیب، نشر میزان، چاپ

دوم ۱۳۸۵

۲۲- صفایی، سید حسین ف مختصر حقوق خانواده، تهران، نشر میزان، چاپ ۲۷

۲۳- عمید زنجانی ، عباسعلی ، موجبات ضمان ، تهران ، نشر میزان ، ۱۳۸۲

۲۴- علیزاده ، ذبیح الله ، ازدواج مجدد و تعدد زوجات ، تهران ، نشر فردوسی

۲۵- کاتوزیان ، ناصر ، قانون مدنی در نظم حقوق کنونی ، تهران ، نشر میزان ، ۱۳۵۹

۲۶- کاتوزیان ، ناصر ، حقوق مدنی خانواده ، تهران ، نشر انتشار ، چاپ هفتم ۱۳۸۵

۲۷- کاتوزیان ، ناصر ، مسئولیت مدنی ناشی از حوادث رانندگی ، تهران ، نشر دانشگاه

تهران